

# حرکت انقلابی - اسلامی



کبری محمودی

روزهای بهمن دهه‌ی هفتاد شیرین بودند. از اواخر دی‌ماه، یکی از تفریحاتمان این بود که به بهانه‌ی تمرین برنامه‌های گروهی دهه‌ی فجر، از جمله سرود، نمایش و حتی دکلمه، ساعت‌هایی از درس را از معلم کلاس اجازه بگیریم و با مربی تربیتی، در کتابخانه یا نمازخانه مشغول تمرین شویم. به ۱۲ بهمن که نزدیک می‌شدیم، دیگر تمام فکر و ذکرمان این بود که مراسم را چطور هیجان‌انگیزتر و واقعی‌تر برگزار کنیم. چون خودمان روزهای انقلاب اسلامی را از نزدیک لمس نکرده بودیم، دوست داشتیم به مراسم رنگ واقعیت بدهیم.

شاید شما هم آن روزها را ندیده باشید، اما همگی بارها داستان آن را شنیده‌ایم. چهل‌وسه سال پیش، مردم ایران انقلابی از نوع اسلامی را تجربه کردند. ویروس استعمار در جای‌جای شهر رخنه کرده و راه نفس را بر همگان بسته بود.

ترس، خفقان و خودرأیی راه‌گلوئی آزادی را چنان بسته بود که برادر از برادر می‌هراسید. محبت را در اتقاق‌های در بسته قرنطینه کرده بودند تا رنگ کشور را نبیند. استقلال و هویت‌مان نفس‌های آخرش را می‌کشید. باید اتقاقی رخ می‌داد؛ اتقاقی که کابوس آشنای هر شب شهر را تسلی می‌داد. باید با سلاحی قوی‌تر از گلوله به نبرد با دشمنی می‌رفتیم که بر جان‌هایمان نشسته بود. شاید شما هم آن روزها را ندیده باشید! روزهای آخر حکومت پهلوی، مردم، در اقدامی هماهنگ، مشق عشق می‌کردند. کوچه‌به‌کوچه شهر بوی شهادت می‌گرفت.

شاید شما هم آن روزها را ندیده باشید! چهل‌وسه سال پیش، مردم نجیب ایران با دست‌های درهم تنیده و مشت‌های گره‌کرده برخاستند تا هویت بر بادرفته‌شان را به دست آورند و این اعجاز بزرگ قرن را به رخ جهانیان بکشند. بهترین راه نجات را اتحاد دیدند و مشت‌هایی که با هم گره کردند و شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی سر دادند.

برای آشنایی بیشتر با چند و چون تفهیم چیستی انقلاب اسلامی ایران به دانش‌آموزان، می‌توانید کتاب‌هایی را که در صفحه‌های ۸ تا ۹ این شماره از مجله معرفی کرده‌ایم، به دانش‌آموزانی که آن روزها را ندیده‌اند، معرفی کنید.

آموختنی

بهمن‌ماه  
دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۱۴۰۱۵

